

مقدمه

مختصری درباره گویش بختیاری

بختیاری از خانواده گویش‌های غربی جنوبی است و با فارسی خویشاوندی نزدیک دارد. این گویش و گویش‌های لری لرستانی و بویراحمدی سه گونه اصلی گویش لری را تشکیل می‌دهند که در منطقه وسیعی در غرب و جنوب غربی ایران به آن تکلم می‌شود. در گذشته تمام مناطقی که در آن گویش بختیاری رواج داشت یا به عبارت دیگر تمام قلمرو ایل بختیاری، با نام «بختیاری» شناخته می‌شد اما امروزه این منطقه بزرگ میان چهار استان چهارمحال و بختیاری، خوزستان، اصفهان و لرستان بخش شده است. تقسیم‌بندی‌های ایلی، وجود فواصل جغرافیایی میان طوایف متعدد بختیاری و مجاورت با مناطق غیربختیاری زبان، از دیرباز سبب شکل‌گیری گونه‌هایی در گویش بختیاری شده است. از جمله می‌توان به گونه‌های مسجدسلیمانی، ایزده‌ای، کوه‌رنگی، اردلی، الیگودرزی، فریدنی و... اشاره کرد.

رابطه گویش بختیاری با دیگر گویش‌های لری

به لحاظ جغرافیایی گویش بختیاری در مرکز مناطق لرزبان و مابین گویش لری لرستانی در غرب و لری بویراحمدی در شرق قرار دارد، اما به لحاظ زبانی نمی‌توان آن را حد وسط گویش‌های لری محسوب کرد. واقعیت این است که تقسیم‌بندی گویش‌های لری تا حد زیادی با تقسیم‌بندی سنتی اقوام لر به «لر کوچک» و «لر

بزرگ» تطبیق می‌کند. به دیگر سخن، گویش‌های بختیاری و بویراحمدی هر دو شاخه‌هایی از لری بزرگ هستند و در مقابل، لری خرم‌آبادی نماینده اصلی لری کوچک است. از مهم‌ترین ویژگی‌های گویش‌های لری بزرگ (بختیاری و بویراحمدی) که آنها را از گویش‌های لری کوچک متمایز می‌کند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- کاربرد نشانه استمرار /e-/ یا /ī-/ در مقابل /mī-/ و گونه‌های آن در لری لرستانی:

<u>بختیاری</u>	<u>لری خرم‌آبادی</u>
n-om \bar{o} e-x «می‌خوانم»	mo-hon-em

۲- کاربرد نشانه‌های جمع /-gal/، /-yal/ و /-al/.

۳- کاربرد ضمیر *īšâ* «شما» یا *šemâ* در مقابل ضمیر *šemâ* در لری لرستانی.

۴- کاربرد ضمیر متصل و شناسه /-om/ در مقابل ضمیر متصل و شناسه /-em/ در لری لرستانی.

۵- کاربرد واجگونه /ð/.

۶- تقابل واج /z/ با واج /ž/ در برخی واژه‌های مشترک میان لری بزرگ و کوچک:

<u>بختیاری</u>	<u>لری خرم‌آبادی</u>
merzeng «مژه»	merženg
berēza «نوعی صمغ»	beriža
kerzeleng «خرچنگ»	kerženg
gēz «گیج»	giž
zeđī «صمغ»	ževi
zaŷalta «زهرمار، درد بی‌درمان»	žeghelta
mūrēz «مورچه»	meriž
kozol «کوتاه قد»	qožal
korūznīden «جویدن»	keružane
melâz «ملاز» (زبان کوچک)	melâžga

احتمالاً ورود واج /ž/ به گویش‌های لری کوچک به دلیل مجاورت با زبان‌های غربی شمالی مانند لکی و کردی بوده است.

تاریخ شکل‌گیری گویش بختیاری

قدیمی‌ترین اشاره به گویش لری در «تاریخ گزیده» حمدالله مستوفی دیده می‌شود: «مستوفی می‌گوید ده حرف ح، خ، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ق در زبان لری نیست» (صادقی، ۱۳۷۵: ۹-۱۰). این توصیف تا حد زیادی دربارهٔ صورت‌های امروزی گویش لری نیز صدق می‌کند. در گویش بختیاری در بسیاری واژه‌ها واج /h/ در تقابل با /x/ فارسی قرار دارد:

<u>فارسی</u>	<u>بختیاری</u>
xar	har
xâr	hâr
xormâ	hormâ

واژه‌های بختیاری xolk «خُلُق»، xalk «خَلَق»، halkan «حلقه»، kuwâre «قواره»، kað «قد: کمر» و... نیز می‌توانند مؤید نظر مستوفی مبنی بر نبود واج /q/ در لری باشند. واژه‌های مذکور احتمالاً یادگاری از مراحل اولیهٔ ورود واج /q/ به گویش بختیاری‌اند؛ بنابراین می‌توان احتمال داد که در زمان حمدالله مستوفی واج /q/ هنوز وارد لری نشده بوده است.

اما در مورد دو حرف ش و غ به نظر می‌رسد که نظر مستوفی مبتنی بر استقراء ناقص بوده است. توضیح آنکه: در بختیاری به جای ضمائر فارسی /-eš/ و /-ešân/، ضمائر /-es/ و /-(e)s/ به کار می‌رود. همچنین در برخی واژه‌ها واج /s/ در تقابل با /š/ فارسی قرار دارد:

<u>فارسی</u>	<u>بختیاری</u>
angošt	angost
mošt	most
šūr	sūr
pīš	pēs
čâšt	čâst

واژه‌هایی چون واژه‌های فوق در کنار ضمائر بختیاری پیش گفته، احتمالاً برای فارسی‌نویسی چون حمدالله مستوفی منشأ این تصور بوده‌اند که در لری /š/ وجود ندارد. برخلاف نظر مستوفی واج /š/ در بسیاری از واژه‌های لری – اعم از لری کوچک و بزرگ – دیده می‌شود. حتی در برخی واژه‌های لری واج /š/ در تقابل با واج /s/ فارسی قرار گرفته است:

<u>فارسی</u>	<u>بختیاری</u>
šostan	šošten
xâkestar	hâkeštar
ferestâdan	ferešnâden
sâtūr	šâtīl
siyâh	šah
sūt	šīt
salīte	šelīte

در مورد حرف غ نیز باید گفت که احتمالاً واژه‌هایی چون واژه‌های بختیاری čerâ «چراغ»، dorō «دروغ»، dū «دوغ» و kalâ «کلاغ» منشأ تصور مستوفی بوده است.

در هر حال، گفته مستوفی و توضیحات فوق نشان می‌دهد که لری احتمالاً پیش از قرن هشتم هجری^(۱) به صورت امروزی درآمده بوده است.

اهمیت پژوهش درباره گویش بختیاری

مطالعه گویش بختیاری، صرف‌نظر از کمک به زبان‌شناسی عمومی و شناخت بهتر زبان‌های ایرانی، از چند نظر اهمیت دارد:

۱- می‌دانیم که زبان فارسی در جنوب غربی ایران (فارس و خوزستان) شکل گرفته است. بنابراین مطالعه گویش‌های رایج در جنوب غرب ایران می‌تواند به شناخت بهتر زبان فارسی، به ویژه تاریخچه آن، کمک کند. در این میان به نظر نگارنده، مطالعه گویش لری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که به لحاظ گستره جغرافیایی، لری بزرگ‌ترین گویش جنوب غربی است و احتمالاً تا حد زیادی گویش‌های

مجاور خود را تحت تأثیر قرار داده است. به همین صورت، در مطالعات گویش لری نیز، گویش بختیاری به عنوان بزرگ‌ترین گونه لری دارای اهمیت خاصی است.

۲- گویش بختیاری برخی واژه‌ها و ساخت‌های دستوری فارسی میانه را که به فارسی نو نرسیده‌اند حفظ کرده است؛ بنابراین مطالعه این گویش - و سایر گویش‌های جنوب غربی - برای شناخت بهتر فارسی میانه ضروری است. مطالعه گویش‌های جنوبی غربی از جمله بختیاری، به ویژه می‌تواند خلایق را که در زمینه واژگان فارسی میانه وجود دارد پر کند «و ما را از واژه‌هایی که در این زبان وجود داشته‌اند، گرچه در طول دوران اسلامی تحول یافته‌اند، آگاه می‌کند» (سلامی، ۱۳۸۱: ۱۱).

۳- از میان گویش‌های لری «گویش بختیاری دارای ادبیات شفاهی نسبتاً پرباری است» (اشمیت، ۱۳۸۷: ۵۶۳). با توجه به اینکه سنت ادبی و نوشتاری فارسی - برخلاف خراسان و نواحی شرقی ایران - نفوذ چندانی در منطقه بختیاری نداشته است، مطالعه این ادبیات و زبان آن می‌تواند به شناخت بهتر شعر و سنت‌های روایی در دوره پیش از اسلام کمک کند. شادروان حسین پژمان بختیاری در این زمینه نظری دارد که خواندنی است: «شعر بختیاری هنوز به صورت هجایی باقی‌مانده و مصراع‌های دوازده هجایی و بیشتر دارد و رایج‌ترین محور شعر بختیاری دارای نوزده سیلاب است که از حیث وزن تقریباً همانند این مصراع است: مه من از دوریت به جان رسیدم» (قنبری عدیوی، ۱۳۸۲: ۸۲).

پیشینه پژوهش درباره گویش بختیاری

الف - پژوهش‌های غیربومی (غربی):

نخستین مطالعات درباره گویش بختیاری توسط پژوهشگران غربی صورت گرفته است. در سال ۱۹۰۴ اسکارمان^۱، ایران‌شناس آلمانی، متن‌هایی از گویش بختیاری را در برلین منتشر کرد (طاهری، ۱۳۸۵: ۲۶). همو در سال ۱۹۱۰ کتاب *Die Mundarten der Lur-stämme* را به چاپ رساند که شامل نمونه‌هایی از نظم و نثر بختیاری و توضیحاتی درباره لهجه‌های گوناگون لری است (ذوالفقاری، ۱۳۷۶: ۳۲). پیش از

1- Mann, O.

مان عموماً تصور می‌شد که گویش لری شاخه‌ای از زبان کردی است (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۵: ۳۹-۴۰) اما تحقیقات مان نشان داد که لری به گروه زبان‌های غربی جنوبی تعلق دارد.

به دنبال آثار مان، در سال ۱۹۲۲ اثری از ژوکوفسکی^۱، ایران‌شناس مشهور روس، با عنوان *Materialy dlya izučeniija persidskix narečij* به چاپ رسید که حاوی موادی از گویش بختیاری است (نک: ارانسکی، ۱۳۸۶: ۱۹۵). گفتنی است که ژوکوفسکی مابین سال‌های ۱۸۸۳ تا ۱۸۸۶ به گردآوری اطلاعاتی درباره گویش‌های لری اشتغال داشته است (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۵: ۳۹).

پس از مان و ژوکوفسکی، سومین پژوهشگری که نقش بسیاری در شناساندن و ثبت گویش بختیاری داشته است سرگرد لریمر^۲، مأمور دولت انگلیس است. وی در سال ۱۹۲۲ کتابی را با عنوان *The Phonology of the Bakhtiari, Badakhshani and Madaglashti, Dialects of Modern Persian* منتشر کرد که بخش نخست آن به واج‌شناسی گویش بختیاری اختصاص دارد. در پایان همین بخش، واژه‌نامه مختصری از گویش بختیاری ضمیمه شده است. لریمر همچنین «نمونه‌هایی از ادبیات بختیاری را در سه شماره از مجله *BSOAS* به چاپ رساند» (طاهری، ۱۳۸۵ الف: ۲۷). علاوه بر این‌ها، لریمر مطالب دیگری را درباره گویش و فرهنگ بختیاری گرد آورده بود که در زمان حیات به چاپ آنها توفیق نیافت. این مطالب به فاصله سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۵ به همت دو دانشمند زبان‌شناس، فریدون وهمن و گارنیک آساتوریان، در سه جلد، در دانمارک به چاپ رسید. جلد اول این مجموعه شامل مطالب قوم‌نگاشتی، جلد دوم آن مشتمل بر داستان‌های بختیاری و جلد سوم آن حاوی ۲۷ قطعه شعر بختیاری است (نک: تفضلی، ۱۳۷۴: ۴۴).

پس از لریمر کار عمده‌ای توسط پژوهشگران غیربومی در زمینه گویش بختیاری صورت نگرفته است و آنچه درباره این گویش نوشته شده ظاهراً مبتنی بر مواد و نتایج پژوهش‌های پیشین بوده است. از آن جمله، ویندفور^۳ (۱۹۸۸) برای مدخل «گویش بختیاری» در *دانشنامه ایرانیکا*، مقاله مختصر و مفیدی نوشته است و در آن برخی ویژگی‌های آوایی و دستوری گویش بختیاری را مورد بررسی قرار داده است. لوکوک^۴ نیز در

1- Žukovskij, V.A.
2- Lorimer, D.L.R.
3- Windfuhr, G.L.
4- Lecoq, P.

مقاله‌ای که درباره گویش‌های جنوب غرب ایران نوشته، توضیح مختصری درباره دستور گویش‌های لری داده است (نک: اشمیت، ۱۳۸۷: ۵۶۳-۵۷۶). مکینون^۱ در مقاله‌ای که در سال ۲۰۰۲ در مجله *استودیا ایرانیکا* درباره لری خرم‌آبادی نوشته، اشاراتی تطبیقی نیز به دیگر گویش‌های لری، از جمله بختیاری، کرده است و سرانجام آنکه انونبای^۲ در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۳ به بررسی تطبیقی واژگان انواع گویش‌های لری پرداخته است (طاهری، ۱۳۸۵ الف: ۲۷).

ب. پژوهش‌های بومی:

از میان پژوهشگران بومی نخستین کسی که کار عمده‌ای درباره گویش بختیاری انجام داده عبدالعلی خسروی است. خسروی در سال ۱۳۶۸ «فرهنگ بختیاری» را منتشر کرد که در زمان خود واژه‌نامه ارزشمندی محسوب می‌شد. وی چند سال بعد کتاب دیگری را با عنوان «گویش بختیاری» (۱۳۷۵) به چاپ رساند. این کتاب دربردارنده موادی از گویش بختیاری است و مؤلف در مقدمه آن توصیف مختصری از ساختمان گویش بختیاری به دست داده است. هر چند کارهای خسروی برپایه روش‌های علمی و زبانشناختی انجام نگرفته‌اند اما به لحاظ فضل تقدم در تاریخچه بختیاری پژوهی دارای جایگاه ویژه‌ای هستند.

دومین پژوهشگری که در زمینه گویش بختیاری آثار مهمی منتشر کرده، ظهراب مددی است. مددی در سال ۱۳۷۵ «واژه‌نامه زبان بختیاری» را به چاپ رساند که تا به امروز جامع‌ترین واژه‌نامه‌ای است که در زمینه گویش بختیاری تألیف شده است. مددی همچنین مقاله ارزشمندی با عنوان «فعل در زبان بختیاری» (۱۳۷۷) نوشته است و در آن بسیاری از ویژگی‌های مهم فعل را در بختیاری - مانند مجهول صرفی - متذکر شده است.

پس از آثار خسروی و مددی، مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در زمینه گویش بختیاری انجام شده در قالب پایان‌نامه‌های دانشگاهی بوده است. این پایان‌نامه‌ها اغلب به توصیف عمومی یکی از گونه‌های گویش بختیاری اختصاص داشته‌اند. گونه‌های مسجدسلیمانی، میداودی، اردلی، ایزده‌ای^(۲) و کوه‌رنگی از جمله گونه‌های بختیاری هستند که درباره آنها پایان‌نامه یا پایان‌نامه‌هایی نوشته شده است. طبق بررسی‌های

1- Mackinnon, C.

2- Anonby, E.J.

نگارنده، در میان پژوهش‌های غربی و بومی جامع‌ترین توصیف از دستور گویش بختیاری در پایان‌نامه «گویش بختیاری کوه‌رنگ» (طاهری، ۱۳۸۵ الف) دیده می‌شود. صرف‌نظر از پایان‌نامه‌هایی که به توصیف عمومی گویش بختیاری پرداخته‌اند، در چند پایان‌نامه جنبه‌های خاصی از گویش بختیاری مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله، مینا آرمیده گروه اسمی گویش بختیاری مسجدسلیمان را مورد بررسی قرار داده است (نک: ناصح، ۱۳۸۶). پس از آن سیما ذوالفقاری (۱۳۸۶) تحت عنوان «گویش بختیاری: بقا یا زوال؟» به بررسی زبانی - اجتماعی گویش بختیاری در شهر مسجدسلیمان پرداخته است. پایان‌نامه غلامرضا خادمی با عنوان «توصیف جملات ساده گویش بختیاری براساس نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی (ایکس تیره)» نیز از جمله پایان‌نامه‌های تخصصی‌تر درباره گویش بختیاری است (نک: ناصح، ۱۳۸۶).

پژوهش حاضر

پژوهش حاضر به بررسی واژه‌شناختی گویش بختیاری اختصاص دارد. در این زمینه تا به حال پژوهش مستقلی صورت نگرفته است لذا با توجه به گنجینه بزرگ واژگان بختیاری، انجام چنین پژوهشی لازم به نظر می‌رسد. باید اعتراف کرد که در این پژوهش از پرداختن به برخی مباحث واژه‌شناسی، مانند معنی‌شناسی، به این دلیل که فراتر از تخصص و دانش نگارنده بوده‌اند، خودداری شده است. همچنین باید گفت که در رساله حاضر عمدتاً به مباحثی پرداخته شده است که می‌تواند در پژوهش‌های زبان فارسی مفید واقع شود.

رساله پیش رو دارای سه فصل است:

۱. ریشه‌شناسی: در این فصل نگارنده به تاریخ گویش بختیاری و بررسی وامواژه‌های آن پرداخته است. گفتنی است که در این فصل به بسیاری از گرایش‌ها و ویژگی‌های آوایی گویش بختیاری نیز اشاره شده است.
۲. صرف: در این فصل به مباحثی پرداخته شده که در مطالعات گویش بختیاری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از جمله این مباحث، مبحث زایایی است. پس از مبحث زایایی، نگارنده تحت عنوان فرایندهای واژه‌سازی به معرفی وندهایی پرداخته که تا به حال به آنها اشاره‌ای نشده است. فرایند اتباع نیز به عنوان یکی از فرایندهای مهم واژه‌سازی در بختیاری، در پایان فصل توصیف شده است.

۳. **واژه‌نگاری:** «یکی از شکل‌های خاص کاربردی واژه‌شناسی است» (الوئر، ۱۳۸۶: ۲۶). با توجه به اهمیت مبحث واژه‌نگاری در واژه‌شناسی، اختصاص فصل جداگانه‌ای به نقد و آسیب‌شناسی واژه‌نامه‌های بختیاری و ارائه متدهایی برای واژه‌نامه‌نویسی بختیاری ضروری به نظر می‌رسید؛ خصوصاً آنکه نگارنده در انجام پژوهش حاضر عملاً به بررسی واژه‌نامه‌های بختیاری نیز مشغول بوده است. در پایان رساله، واژه‌هایی که نگارنده در طول مدت پژوهش و پیش از آن گردآوری کرده ضمیمه شده است.

مهم‌ترین پرسش‌هایی که نگارنده کوشیده است در این رساله به آنها پاسخ دهد عبارت‌اند از:

۱. گویش بختیاری از فارسی نو منشعب شده است یا از فارسی میانه؟
۲. فارسی گفتاری ایران در چه تاریخی شکل گرفته است و چه رابطه‌ای با سایر گویش‌های فارسی دارد؟
۳. فارسی، پیش از دوره معاصر تا چه اندازه گویش‌های ایران را تحت تأثیر قرار داده است؟
۴. تعداد زیاد واژه‌های عربی در فارسی امروز حاصل سنت نوشتاری است یا تأثیر مستقیم زبان عربی بر فارسی و گویش‌های آن؟
۵. وامواژه‌ها از چه راه‌هایی وارد گویش بختیاری شده‌اند؟
۶. بختیاری گویشی است عقیم یا زایا؟
۷. آیا گویش‌های جنوب غربی ایران مانند گویش‌های خراسان بیشتر به ساخت فعل مرکب گرایش دارند؟
۸. چه جنبه‌هایی در واژه‌نامه‌نویسی برای گویش بختیاری مورد غفلت قرار گرفته است؟

گونه مورد پژوهش

گویش بختیاری همچنانکه پیش‌تر گفته شد، دارای گونه‌های متعددی است. از میان این گونه‌ها گونه‌ای که ملاک پژوهش حاضر قرار گرفته، گونه «مسجدسلیمانی» است. درباره این گونه تا به حال پژوهش‌های ارزنده‌ای به انجام رسیده که احتمالاً شاخص‌ترین آنها «واژه‌نامه زبان بختیاری» (مددی، ۱۳۷۵) است. به نظر نگارنده در به کار بردن اصطلاح «مسجدسلیمانی» باید کمی محتاط بود، چرا که در شهر مسجدسلیمان گویش

بختیاری یکدستی وجود ندارد و میان گویش طوایف مختلف ساکن مسجدسلیمان تفاوت‌هایی دیده می‌شود. البته این تفاوت‌ها بسیار ناچیز است و بیشتر مربوط به تلفظ واژه‌هاست. همچنین برخی طوایف واژه‌هایی را به کار می‌برند که در دیگر طوایف کاربرد ندارد و برعکس. در هر حال، به نظر نگارنده بهتر است هنگام پژوهش درباره گونه‌های گویش بختیاری، نام طایفه مورد پژوهش نیز قید شود. با این مقدمه باید گفت که طایفه مورد پژوهش نگارنده، طایفه «پیر صالح ابراهیم» بوده است. البته نگارنده کار خود را به بررسی گویش این طایفه محدود نکرده است؛ بلکه همواره به گویش سایر طوایف مسجدسلیمان نیز نظر داشته است. در مورد طایفه پیر صالح ابراهیم توضیح مختصری لازم به نظر می‌رسد: این طایفه منسوب به «صالح ابراهیم» فرزند امام موسی کاظم است و واژه «پیر» اشاره به «سیادت» این طایفه دارد. به لحاظ تقسیم‌بندی‌های ایلی، پیر صالح ابراهیم به باب «بهداروند» تعلق دارد که خود یکی از پنج شاخه اصلی ایل «هفت‌لنگ» است. سردسیر (بیلاق) این طایفه، دهستان «بیرگان» در شهرستان فارسان واقع در استان چهارمحال و بختیاری، و گرمسیر (قشلاق) آن، دهستان «تل بزاق» در شهرستان مسجدسلیمان واقع در استان خوزستان بوده است.

فصل اول

ریشه‌شناسی

etymology

گوش بختیاری در چه تاریخی شکل گرفته است؟ به کدام گروه گویشی تعلق دارد؟ از فارسی نو منشعب شده است یا از فارسی میانه؟ با کدام زبان‌ها رابطه داشته است؟ آیا میزان تأثیرپذیری آن از زبان‌های عربی و ترکی به اندازه فارسی بوده است؟... این‌ها پرسش‌هایی‌اند که یافتن پاسخ مناسب برای آنها در گروه مطالعه ریشه‌شناختی گوش بختیاری است. نتایج چنین مطالعه‌ای علاوه بر شناخت بهتر واژگان بختیاری، می‌تواند در فرهنگ‌نگاری برای گوش بختیاری نیز مورد استفاده قرار گیرد. مسلماً گوش‌پژوهی که به گذشته گوش و قوف دارد در ثبت تلفظ‌ها و معانی دقت بیشتری نشان خواهد داد. در هر حال، با توجه به اهمیت ریشه‌شناسی در شناخت واژگان بختیاری، نگارنده فصل حاضر را به بررسی ریشه‌شناختی گوش بختیاری اختصاص داده است.

در زمینه ریشه‌شناسی گوش بختیاری تا به حال پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ با این حال از پژوهش‌های گوش بختیاری به طور پراکنده می‌توان اطلاعاتی در این زمینه به دست آورد. در فصل حاضر نگارنده کوشیده است علاوه بر سامان بخشیدن به این اطلاعات، یافته‌های خود را نیز در این باره مطرح کند.

۱-۱- لایه‌های زبانی گوش بختیاری

زبان فارسی نو در سطوح آوایی، صرفی، نحوی و واژگانی شباهت‌های بسیاری با فارسی میانه دارد. از همین رو زبان‌شناسان این زبان را دنباله مستقیم و بلافصل فارسی میانه می‌دانند. این سخن بدین معناست که

فارسی نو یکی از گویش‌های فارسی میانه بوده که در طول تاریخ، به علل درون‌زبانی و برون‌زبانی، تغییر کرده و به صورت فارسی نو درآمد است. مع‌الوصف، از آنجا که فارسی نو بر مبنای فارسی میانه شکل گرفته، بسیاری از ویژگی‌های آن را حفظ کرده است. به همین ترتیب، برخی ویژگی‌های فارسی باستان که به فارسی میانه رسیده نشان می‌دهد که فارسی میانه از فارسی باستان مشتق شده است. نگارنده از این ویژگی‌های مشترک که رابط هر دوره با دوره پیش از خود است به «لایه» تعبیر کرده است. اصطلاح لایه، مدل یا تمثیلی است برای نشان دادن عناصر اصلی سازنده یک زبان. توضیح آنکه: همچنانکه بر بوم نقاشی از نشست رنگ‌های مختلف بر یکدیگر رنگ جدیدی خلق می‌شود که البته حاوی عناصری از لایه‌های زیرین نیز هست، در زبان‌هایی چون فارسی هم – که دارای گذشته روشنی هستند و از ریشه‌های باستانی آنها اطلاعات بسیاری در دست است – چند لایه زبانی قابل شناسایی است که از آمیختن آنها با یکدیگر – یا به تعبیر دیگر نشستن آنها بر یکدیگر – زبان مورد نظر به صورت امروزی‌اش درآمد است. به نظر نگارنده با استفاده از این مدل می‌توان تصویر روشن‌تری از گذشته گویش بختیاری ترسیم کرد.

بررسی گویش بختیاری نشان می‌دهد که ساختمان این گویش شباهت بسیاری با ساختمان زبان فارسی معاصر دارد. از این وضعیت می‌توان چنین تعبیر کرد که بختیاری دارای لایه‌ای از فارسی است. از طرف دیگر بختیاری اختصاصاتی هم دارد. این اختصاصات را نیز می‌توان «لایه بختیاری» نامید. بررسی لایه بختیاری نشان می‌دهد که برخی عناصر آن در فارسی میانه وجود داشته است؛ بنابراین می‌توان به وجود لایه فارسی میانه در بختیاری نیز قائل شد. به همین ترتیب نگارنده لایه‌های مختلفی را در گویش بختیاری شناسایی کرده که بررسی آنها موضوع بخش حاضر است.

به طور کلی چهار لایه زبانی در گویش بختیاری قابل شناسایی است. این لایه‌ها به ترتیب تاریخی از

این قراراند:

۱-۱-۱- فارسی میانه (پهلوی)

کهن‌ترین لایه زبانی که در گویش بختیاری می‌توان تشخیص داد فارسی میانه یعنی زبان رسمی دوره

ساسانیان است. این لایه زبانی را در چند سطح می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۱-۱-۱-۱-۱-۱ - سطح آوایی:

از ویژگی‌های آوایی فارسی میانه که در بختیاری هم دیده می‌شود نبود واج /ž/ است. «معادل واژه‌هایی که در فارسی ž دارند در بختیاری Z وجود دارد» (طاهری، ۱۳۸۵ الف: ۲۳). همچنین صورت بختیاری برخی واژه‌های مشترک میان فارسی و بختیاری، به صورت پهلوی مانندتر است:

<u>فارسی دری</u>	<u>بختیاری</u>	<u>پهلوی</u>
diž	dez	diz
—♦ān	—♦nō و	gyān
tarāšīdan	gēn	tāšīdan
žad «صمغ» ^(۳)	tāšīden	zadūg
angušt	zeđī	angust
mušt	angost	must و mušt
mayz	most	mazg
duzd	mazg	duz (d)
girīstan	doz	griyistan
pul	^(۴) gerēvesten	puhl
amrōd	pohl	urmōd
dušman	hermū	dušmen
ār-wāra	^(۵) dešmen	ēr-wārag
burū	ēlewār	brūg
xarčang	borg	karzang
mūš	kerzeleng	mušk
gurāz	mošk	warāz
tuxm	varāz و gorāz	tōm
xušk	tohm و tōm	hušk
parhēz	hošk	pahrēz
muža	pahrēz	mi—♦ (ag)
parčīn	merzeng	parzīn
rōzī	parzīn	rōzīg
šōr	rūzīk	sōr

talx	sūr	taxl
surx	tahl	suxr
dīda	«چشم» sohr	tīdag
durōγ	tiya و tē	drō
tēγ	dorō	tēx
muzd	tēx	mizd
mary	mezd	marw
paša	mawr	paxšag
pāzan	pašγe	pāzen
«ماده مضارع شکستن» šikan-	«شکستن (گذرا)» pāzen	«ماده مضارع شکستن» šken-
	eškenâden	

۱-۱-۱-۲- سطح صرفی:

یک) مجهول صرفی: در بختیاری ماده مضارع مجهول با افزودن پسوند /-eh/ به ماده مضارع گذرا ساخته می‌شود. ماده ماضی مجهول نیز از الحاق پسوند /-est/ به ماده مضارع مجهول به دست می‌آید:

band-eh-est «بسته شد». در فارسی میانه فعل مجهول دقیقاً به همین ترتیب ساخته می‌شد:

wēn-īh-ist «دیده شد». از میان بختیاری پژوهان بومی نخستین کسی که به ساخت مجهول صرفی پی برده ظاهراً ظهراً مددی (۱۳۷۷) است^(۶)، هر چند وی به ارتباط این ساخت با فارسی میانه اشاره‌ای نکرده است. پس از آن عبدالعلی خسروی (۱۳۷۵ : ۳۲۱) بی آنکه متوجه فارسی میانه باشد این ساخت را معرفی کرده است. اسفندیار طاهری (۱۳۸۵ ب: ۸۹) احتمالاً نخستین بختیاری پژوه بومی است که ارتباط این ساخت با فارسی میانه را توضیح داده است. به گفته طاهری این ساخت در یکی از متون فارسی یهودی از سده پنجم هجری، که در منطقه خوزستان نوشته شده، به کار رفته است.

دو) کاربرد پسوند گذراساز /-en/ در بختیاری در برابر پسوند /-ān/ در فارسی: در فارسی ماده مضارع ناگذر با الحاق پسوند /-ān/ تبدیل به ماده مضارع گذرا می‌شود. این پسوند مأخوذ از زبان پارتی است. اما در بختیاری به جای /-ān/ معادل پهلوی آن یعنی /-ēn/ (در بختیاری به صورت /-(e)n/) به کار می‌رود:

xaw-n-īð

خواباند / خوابانید

۱-۱-۱-۳- سطح واژگانی:

برخی واژه‌های فارسی میانه که به فارسی نو نرسیده‌اند در گویش بختیاری زنده هستند. به این واژه‌ها در بخش ۱-۲-۱ اشاره خواهد شد.

۱-۱-۲- فارسی دری

از آنجا که فارسی امروز ایران (فارسی معیار ایران) از لحاظ آوایی، صرفی، واژگانی و حتی برخی ویژگی‌های نحوی با فارسی به کار رفته در متون کهن - به ویژه متونی که پیش از قرن هشتم هجری قمری به نگارش درآمده‌اند - تفاوت‌هایی دارد، نگارنده ترجیح داد در اشاره به زبان متون کهن، از اصطلاح «فارسی دری» که در کتاب‌های مربوط به تاریخ زبان فارسی به کار رفته است^(۷) استفاده کند.

می‌دانیم که بختیاری و دیگر گویش‌های لری از نظر نحوی تفاوت چندانی با فارسی امروز و به تبع آن فارسی دری ندارند (نک: اشمیت، ۱۳۸۷: ۵۷۰). از نظر آوایی، صرفی و واژگانی نیز عمده‌تحوالاتی که از فارسی میانه به فارسی نو صورت گرفته است در بختیاری دیده می‌شود^(۸). بختیاری همچنین برخی ویژگی‌های فارسی دری را که به فارسی امروز ایران نرسیده، تا به امروز حفظ کرده است. این ویژگی‌ها در سطوح مختلف عبارت‌اند از:

۱-۱-۲-۱- سطح آوایی:

یک) واکه /ē/ یا «یای مجهول»: این واکه در فارسی امروز ایران تبدیل به /ī/ یا /e/ شده است اما در بسیاری از گویش‌ها و نیز در فارسی افغانستان (دری) و تاجیکستان (تاجیکی) به کار می‌رود. در بختیاری نیز این واکه وجود دارد: sēv «سیب»، šēr «(جانور) شیر»، mēš «میش»، espēð «سپید» و... این واکه به واژه‌های غیرفارسی نیز سرایت کرده است: ēl «ایل»، faqēr «فقیر»، fāmēl «فامیل» و...

دو) واجگونه /ð/ یا «ذال فارسی دری»: از میان گویش‌های فارسی این واجگونه تنها در گویش‌های لری بزرگ (بختیاری، بویراحمدی و ممسنی‌ای) و برخی گویش‌های استان فارس مانند گویش دوانی به جا

مانده است (نک: صادقی، ۱۳۷۸: ۱۴۳؛ سلامی، ۱۳۸۱: ۱۱). در بختیاری واج /d/ پس از واکه به /ð/ تبدیل می‌شود: xoðâ «خدا»، dīðen «دیدن»، rūð «فرزند عزیز» و...

سه) کاربرد واکه مرکب /aw/^(۹): در فارسی امروز ایران این واکه به /ow/ یا /ō/ تبدیل شده است، اما در بختیاری به همان صورت قدیمی به کار می‌رود: dawlat «دولت»، šawr «شور»، dawr «دور»، raw «برو» و...

چهار) تلفظ بختیاری برخی واژه‌های فارسی در مقایسه با تلفظ آنها در فارسی امروز ایران، به تلفظ فارسی دری نزدیک‌تر است:

<u>فارسی امروز ایران</u>	<u>بختیاری</u>	<u>فارسی دری</u>
savâr	sowâr	suwâr
talâ	telâ	telâ (عربی)
gozaštan	goðašten	guðaštan
xonak	honok	xunuk
abrīšam	awrešom	abrēšom
nahīb	nehēv	nihēb
torš	toroš	tur(u)š
xordan	xarden	xwardan
nahâdan	nehâðen و nâhâðen	nihâdan
xoš	xoš و xaš	xwaš
davâzdah	duwâzda	duwâzdah
xašm	xerešm ^(۱۰)	xišm و xašm
yek	yak	yak
šeš	šaš	šaš
kešīdan	kašīðen	kašīdan
hezâr	hazâr	hazâr
peydâ	payðâ	paydâ
gedâ	gaðâ	gadâ
sefīd	safēð	safēd

جز واژه‌های فوق، توضیح درباره تلفظ چند واژه دیگر لازم به نظر می‌رسد:

آهن – این واژه در فرهنگ‌های پهلوی و فارسی با تلفظ /āhan/ ضبط شده است. در افغانستان این واژه به صورت /âhen/ تلفظ می‌شود. تلفظ بختیاری نیز مانند تلفظ افغانی است.

پسند – در «فرهنگ فارسی تاجیکی» (۱۳۸۵) این واژه با دو تلفظ /pasand/ و /pisand/ ضبط شده است. در بختیاری این واژه /pesand/ تلفظ می‌شود.

چادر – در «فرهنگنامه قرآنی» (۱۳۷۲) این واژه به کسر دال آمده است. در «فرهنگ فارسی تاجیکی» (۱۳۸۵) یکی از ضبط‌های چادر به کسر دال است. در بختیاری نیز این واژه /čâðer/ تلفظ می‌شود.

خریدن – در بختیاری «خریدن» به کسر خ تلفظ می‌شود. در نسخه قونیۀ مثنوی (مولوی، ۱۳۷۱: ۱۴۶)، خریدن به کسر خ کتابت شده است. در پهلوی تلفظ این واژه /xrīdan/ بوده است.

دریدن – در بختیاری این واژه به کسر دال تلفظ می‌شود: *derden*. در نسخه قونیۀ مثنوی (همان «دریدن» به کسر دال کتابت شده است.

۱-۲-۲-۱- سطح صرفی:

یک) کاربرد ادات نهی /ma-/ به جای /na-/: *maraw* «نرو»، *mako(n)* «نکن».

دو) کاربرد فعل مضارع دعایی:

nabīnâm-et! کاش هرگز تو را نبینم!

Sâle Bereym nahlâ-t! [امامزاده] «صالح ابراهیم» تو را زنده نگذار!

(معادل فارسی: نهالادت (از «هشتن»))

سه) کاربرد ماضی تمنایی:

kâškī se tâ-n-e benehâne. کاشکی هر سه را می‌گذاشتند (بنهادندی)!

n-e šâ bīðay ... ð̄ ar zam اگر [الآن] زمان شاه می‌بود (بودی)...

čande benâlestoma. چقدر [بایست] می‌نالیدم! (بنالیدمی)

پسوند /-e/ در مثال اول معادل پسوند /-ē/ در فارسی دری است. این پسوند در گویش بختیاری کوهرنگ دقیقاً به صورت /-ē/ تلفظ می‌شود. پسوند /-ay/ در مثال دوم صورت دیگری از پسوند /-ē/ می‌باشد. و بالاخره پسوند /-a/ صورت تخفیف‌یافته پسوند /-ay/ است.

چهار) ساخت فعل ماضی التزامی با فعل بو – (بختیاری: bū-) (نک: ابوالقاسمی، ۱۳۸۵ الف: ۱۳۴):

<u>فارسی دری</u>	<u>بختیاری</u>
کرده بود (کرده باشد)	kerde būhe
کرده بویم (کرده باشیم)	kerde būhīm

پنج) کاربرد برخی پسوندهای منسوخ فارسی دری: مهم‌ترین این پسوندها عبارت‌اند از: پسوند نام

آواساز /-ast/ (بختیاری: -ešt)^(۱) و پسوند مکان‌ساز /-lān/ (بختیاری: -l nō):

ar-ešt «عرعر»	nō bard-e-l «سنگلاخ»
---------------	----------------------

۱-۱-۲-۳- سطح واژگانی:

بسیاری از واژه‌ها در تحول فارسی دری به فارسی امروز ایران، از گنجینه واژگان فارسی رخت بر بسته‌اند.

در گویش بختیاری شمار قابل ملاحظه‌ای از این واژه‌های به اصطلاح «مهجور» باقی مانده است. در بخش

۱-۳ فهرست بلندی از این واژه‌ها در اختیار خواننده قرار داده شده است.

۱-۱-۲-۴- دری جنوبی:

منظور از دری جنوبی زبان به کار رفته در قرآن قدس و متون فارسی یهودی است. این زبان در کنار

«دری خراسانی» یکی از دو گونه اصلی فارسی دری به شمار می‌آید؛ گونه‌ای که از غرب تا خوزستان و از

شرق تا سیستان امتداد داشته است. هنوز در گویش‌های جنوب ایران امروزی – مانند گویش بختیاری –

می‌توان رد این گونه زبانی را دنبال کرد. مهم‌ترین اختصاصات گویش بختیاری که در دری جنوبی وجود

داشته است، عبارت‌اند از:

یک) کاربرد پسوند اسم مصدر ساز /-ešt/ به جای /-eš/ (لازار، ۱۳۸۴: ۱۴۶): این پسوند در بختیاری

حتی به واژه‌های غیرفارسی نیز سرایت کرده است:

fenešt «اخراج، از کارافتاده» (انگلیسی finish یا finished)

âlešt «تعویض» (ترکی âliřmâg «معاوضه کردن»)

دو کاربرد پسوند ماضی ساز **-ist/** (در بختیاری: **-est/**) به جای **-īd/**: این پسوند در «قرآن قدس» در فعل‌هایی چون مالستن (مالیدن)، دوستن (دویدن)، گردانستن (گرداندن)، ور اوشانستن (برافشاندن)، رهانستن (رهانیدن) و رمزایستن (لغزاندن) به کار رفته است (نک: رواقی، ۱۳۸۱). در بختیاری ماده ماضی تقریباً همه فعل‌های ناگذر با این پسوند ساخته شده است: **pīsesten** «پوسیدن»، **bāresten** «باریدن»، **nālesten** «نالیدن» و... این ویژگی در گویش‌های دزفولی و شوشتری نیز وجود دارد.

سه) **تخفیف /ā/** پیش از **/h/** (لازار، ۱۳۸۴: ۱۴۷): «در فارسی کلاسیک هم صورت‌هایی از تخفیف «آ» به صورت **ā** / پیش از «ه» دیده می‌شود، اما این صورت‌ها به طور کلی به زبان شاعرانه تعلق دارند» (همان):

<u>فارسی دری (نثر)</u>	<u>فارسی دری (شعر)</u>	<u>بختیاری</u>
kulāh	kulah	kolah و kolā
māh	mah	mah و mā
-gāh	-gah	-gah و -gā
čāh	čah	čah و čā
rāh	rah	rah و rā
gunāh	gunah	gonah و gonā
kāh	kah	kah و kā
siyāh	siyah	šah و šā
panāh	panah	penah و penā

صورت **h** دارِ واژه‌های بختیاری فوق معمولاً در شکل جمع دیده می‌شود: **kolah-â** «کلاه‌ها». همچنین وقتی گوینده بخواهد روی واژه مورد نظر تأکید کند آن را با **/h/** ادا می‌کند. این نوع تخفیف در دزفولی و شوشتری نیز وجود دارد.

چهار) **مجهول صرفی**: ژیلبر لازار در مقاله «فارسی - یهودی کهن در میان پهلوی و فارسی» (همان: ۱۷۴)

شواهدی برای این نوع ساخت در متون فارسی یهودی به دست داده است.